

## موقعیت راهبردی گرجستان

### و تاثیر آن بر روابط با روسیه

مصطفی ملکوتیان \*

استاد گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

سید حمید حسینی

کارشناس ارشد گروه مطالعات منطقه ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۱۲/۴ - تاریخ تصویب: ۹۰/۳/۹)

#### چکیده:

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، کشور تازه استقلال یافته گرجستان با توجه به موقعیت جغرافیایی اش دروازه ورود به قفقاز نام گرفت. این موقعیت تاکنون تاثیری فوق العاده بر چگونگی روابط روسیه با این کشور و غرب داشته است؛ به گونه ای که در موضوع حمله نیروهای نظامی گرجستان به اوستیای جنوبی در سال ۲۰۰۸م. روس ها عکس العمل شدید از خود بروز دادند که غرب حامی گرجستان تصور وقوع آن را نداشت. این منازعه برغم تلاش های رسانه ای و عملی غرب به نفع روسیه تمام شد. پژوهش حاضر تاثیر موقعیت راهبردی گرجستان بر سیاست های فدراسیون روسیه در قبال این کشور و رقابت روسیه - غرب در موضوع گرجستان و برخی دیگر از مسائل راهبردی منطقه قفقاز را بررسی می کند.

#### واژگان کلیدی:

جغرافیای سیاسی، موقعیت راهبردی، ژئوپلیتیک، منازعات قومی، پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)

### مقدمه

روسیه، قفقاز و به ویژه گرجستان را بخشی از قلمرو منافع حیاتی خود محسوب و در راهبردهای سیاسی - امنیتی، گرجستان را بخشی از محدوده خارج نزدیک روسیه تعریف می‌کند. روسیه در گذشته و حال تامین کننده اصلی مواد اولیه، مواد تولیدی گوناگون، تجهیزات و قطعات صنعتی مورد نیاز گرجستان بشمار رفته و امروزه بیشترین حجم صادرات و واردات گرجستان با فدراسیون روسیه انجام می‌گیرد. روسیه همچنین تامین کننده انرژی مورد نیاز گرجستان است. حاکم بودن نسبی فرهنگ روسی در گرجستان و تنوع قومی در مرزهای مشترک از شاخصه های روابط دو کشور است. در این راستا، روسیه با بسیاری از مناقشات و درگیریهای جدایی طلبانه در سال های پس از استقلال در گرجستان مرتبط بوده است و ریشه منازعات قومی در آجاریا، آبخازیا و اوستیای جنوبی تا حدود زیاد به سیاست های روسیه باز می‌گردد.

درسال های پس از حملات ۲۰ شهریور ۱۱/۱۳۸۰ سپتامبر ۲۰۰۱، غرب و بخصوص آمریکا با حضور در گرجستان و ایجاد همکاری های سیاسی - نظامی گسترده با این کشور، بر اهمیت جایگاه گرجستان در معادلات منطقه ای افزود. این وقایع به شکل گیری چالش های امنیتی در منطقه قفقاز منجر شد که روسیه، گرجستان و آمریکا بازیگران اصلی آن بودند. این پژوهش با توجه به اهمیت تحولات منطقه قفقاز در ابعاد منطقه ای و جهانی درصدد پاسخ به این پرسش است که مهم ترین عامل تعیین کننده در روابط روسیه و گرجستان چیست؟

فرضیه مورد بررسی این است که در بین متغیرهایی چون حضور کشورهای غربی در گرجستان، وابستگی ساختاری گرجستان به روسیه ناشی از دوره قبل از فروپاشی و جایگاه ژئوپلیتیک گرجستان در منطقه قفقاز، ژئوپلیتیک مهم ترین عامل در تعیین مناسبات فدراسیون روسیه با گرجستان است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و در آن تاثیر ژئوپلیتیک بر روابط روسیه - گرجستان بیان می‌شود. گرد آوری اطلاعات علمی از طریق مطالعه کتابخانه ای، استفاده از سخنرانی ها و بیانیه های مقامات روسیه و گرجستان و همچنین بهره گیری از مطالب علمی منتشر شده در پایگاه های اینترنتی خواهد بود.

### مبانی نظری

در صورتی که یک منطقه جغرافیایی در شرایط بالقوه یا بالفعل از عناصر فیزیکی آشکارا تاثیرگذار در صحنه بین المللی برخوردار باشد؛ به صورت منطقه ای ژئوپلیتیک در صحنه ظاهر می‌شود. در منطقه ای ژئوپلیتیک عوامل و متغیرهای طبیعی و انسانی دارای کارکرد سیاسی بوده و چنین منطقه ای نظر دولتها و کشورهای درون منطقه ای و برون منطقه ای و بویژه

قدرت های جهانی را به خود جلب می کند و کنش و واکنش آنها و پیدایش الگوی رقابت، همکاری و نزاع را بر می انگیزاند (حافظ نیا، ۱۳۸۵:۱۱۱). در این بین برخی از کشورها به صورت انفرادی دارای موقعیت ژئوپلیتیک هستند؛ این موقعیت به دارنده آن مزایای قاطع نظامی، سیاسی یا اقتصادی در مقابل رقبا یا دشمنانش اعطا می کند (R.D.Dikshit, 1982:p33) از سوی دیگر، با توجه به این که هر موقعیت مرکزی موقعیت راهبردی است؛ بنابراین موقعیت های راهبردی مرکزی دارنده خود را در معرض آثار مثبت و منفی ناشی از رفت و آمد های زیاد بین المللی نیز قرار می دهند. موقعیت راهبردی در شرایط استقلال و قدرت کشور دارنده خود، بیشترین مزایا را بدست می دهد و در غیر این صورت ممکن است به عاملی برای مطامع قدرت های بزرگ منطقه ای و جهانی تبدیل شود.

### موقعیت و اهمیت راهبردی گرجستان

اهمیت گرجستان از منظر جغرافیای سیاسی و مزیت های راهبردی سرزمینی، هم در مسائل اقتصادی و هم در مسائل امنیتی در خور توجه است. این کشور نوعی گلوگاه در تریببات امنیتی قفقاز جنوبی محسوب می شود. (Russia news.ir, 2009:p1) پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، غرب - آمریکا و کشورهای اروپایی در قالب ناتو - با حضور در گرجستان، قفقاز را به صحنه رقابت و برخورد منافع تبدیل کرده اند. آمریکا با حضور در این کشور که دروازه ورود به قفقاز، آسیای مرکزی و دریای کاسپین است، در کنار نفت و " مبارزه با تروریسم، " درصدد جلوگیری از شکل گیری پیمان ها و اتحادهای نظامی است ([www.csr.ir,2008:p1](http://www.csr.ir,2008:p1))

#### الف - اهمیت راهبردی گرجستان به دلایل امنیتی - نظامی

موقعیت جغرافیائی گرجستان یعنی قرار داشتن در سواحل دریای سیاه و ایفای نقش دروازه ورود به قفقاز و نقش ارتباطی آن از جهت عبور لوله های نفت و گاز آشکارا بر سیاست های امنیتی روسیه در قفقاز تاثیر گذار است. روسیه قفقاز جنوبی را آخرین سنگر برای مقابله با تهاجم ناتو و غرب بویژه پس از بحران بالکان و تضعیف مسکو در آن منطقه می داند. از این رو، روسیه در کنار ابزارهای اقتصادی، انرژی و پیمان‌هایی نظیر جامعه کشورهای مشترک المنافع می‌کوشد با تداوم فعالیت پایگاه‌هایش در این منطقه، نفوذش را در قفقاز جنوبی افزایش دهد. برخی از پایگاه های نظامی روسیه در گرجستان اهمیت فوق العاده برای مسکو دارند: در پایگاه گودائوتا در آبخازستان، بزرگ ترین ایستگاه راداری روسیه در منطقه دریای سیاه قرار دارد. در همان حال، وجود پایگاه باتومی در سواحل دریای سیاه حضور روسیه در این حوزه راهبردی را در مقابل رقبایی مانند ترکیه بسیار افزایش می دهد. همچنین پایگاه آخالکلاکی در جنوب گرجستان امکان حضور روسیه در جنوب گرجستان و در نزدیکی

جمهوری آذربایجان را فراهم می‌کند که از نظر مسکو یک جمهوری سرکش محسوب می‌شود. ترس مسکو از احتمال استقرار نیروهای ناتو و غرب در این پایگاه‌ها نیز از جمله علل خودداری روسیه از تخلیه آنهاست. در طرف مقابل، گرجستان پس از گرایش به غرب (۲۰۰۳) خواهان تعطیلی پایگاه‌های روسی در خاک خود است (کاظمی، ۱۲/ ۱۳۸۰/۱۰). با آغاز جنگ افغانستان، گرجستان نقش پل تدارکاتی مقرر اروپایی ناتو به افغانستان را ایفا کرد و کاخ سفید خواهان حضور مستقیم نظامی در این کشور شد.

### ب- اهمیت راهبردی گرجستان به دلایل اقتصادی

از نظر حمل و نقل با آنکه کریدور شرق به غرب - تراسیکا، طرح ابتکاری اتحادیه اروپا- از چین تا گرجستان، همواره در دو مسیر موازی و جایگزین امتداد می‌یابد؛ اما این دو مسیر موازی در نهایت در کناره شرقی دریای سیاه تنها به خاک گرجستان منتهی می‌شوند. حمل و نقل منابع نفت و گاز حوزه دریای خزر نیز با عبور خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیحان و خط لوله گاز باکو- تفلیس - ارزروم از خاک گرجستان، به این کشور اهمیت راهبردی ویژه می‌دهد (کولایی، ۸۷-۱۳۸۶:۴۸).

یکی از مهم‌ترین مسائل در بحث انرژی، مسیر مناسب برای انتقال انرژی به بازارهای جهانی است. دولت آمریکا حمایت از آذربایجان و گرجستان را در جهت احداث خط لوله باکو- تفلیس - جیحان در دستور کار قرار داد. مقام‌های آمریکایی برغم به صرفه نبودن این مسیر از نظر اقتصادی احداث خط لوله مزبور را برای تامین منافع خود و مقابله با بدیل‌های روسیه و ایران مورد حمایت قرار دادند. اما روسیه عبور این خط لوله در منطقه نفوذ سنتی خود در قفقاز را پدیده‌ای نامطلوب یافته و به اشکال گوناگون سعی در تقویت مسیر مورد نظر خود از طریق بندر نوروسیسک داشته است (کولایی، همان: ۶۲).

حمل و نقل انرژی و کالا از گرجستان در ابتدا برای اروپا دارای اهمیت است. اروپایی‌ها در تلاش هستند تا مسیری جایگزین به جز روسیه برای انتقال انرژی حوزه کاسپین ایجاد کنند. بیرون ماندن روسیه از مسیر حمل و نقل تراسیکا و همه ابتکارهای مشابه غرب برای انتقال انرژی دریای کاسپین در این راستا بوده است (ابراهیم‌معاشر، ۱۳۸۲: ۷۹).

آشکار است که مسیر ایران و سپس روسیه با صرفه‌ترین و امن‌ترین مسیرها برای انتقال انرژی حوزه کاسپین به بازارهای اروپا هستند. در عین حال، با افزایش اهمیت مسیرهای عبوری گرجستان در بعد حمل و نقل کالا و انتقال انرژی، توجه کشورهای منطقه مانند ترکیه، ایران، کشورهای آسیای مرکزی و کشورهای اروپایی به کریدور حمل و نقل گرجستان جلب خواهد شد. در سال‌های اخیر با افزایش تنشها بین روسیه و گرجستان و قطع صادرات انرژی

روسیه به این کشور، گرجستان درصدد تامین منابع انرژی خود از طریق آذربایجان و ایران برآمده است.

در مجموع، اهداف روسیه از تلاش برای افزایش و حفظ نفوذ خود در قفقاز را می توان بر اساس محورهای زیر برشمرد:

۱- حفظ و تداوم ساختارهای سیاسی و امنیتی روسیه در مجموعه کشورهای مستقل مشترک المنافع؛

۲- محدود کردن حضور سیاسی، اقتصادی و نظامی قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای؛

۳- استفاده از کشورهایی مانند گرجستان به عنوان منطقه حائل - روسیه از این طریق سعی در جلوگیری از سرایت خطراتی مانند تروریسم، قاچاق مواد مخدر، هجوم آوارگان، آلودگی های محیط زیست و منازعات محلی و مسلحانه به مرزهای جنوبی خود را دارد (حق جو، ۱۳۸۳: ۱۰۸).

نکته پایانی این که به نظر می رسد؛ رفتارهای روسیه با دو تصور ویژه به اجرا در می آید و مواضع منطقه ای آن را تحت تاثیر قرار می دهد: ۱- تصویری از اهداف راهبردی غرب (یعنی هدف و تلاش غرب برای تقسیم مجدد روسیه، تلاش برای حضور مستقیم بین و در کنار قدرت هائی مانند چین، ایران، هند و غیره و کنترل بر جریان نفت)؛ ۲- شناخت واقعیات مناطق آسیای مرکزی، قفقاز، آسیای شرقی، آسیای جنوبی و آسیای جنوب شرقی.



### روسیه و منازعات قومی در گرجستان

گرجستان تنها جمهوری قفقاز است که با ۶ منطقه و جمهوری فدراسیون روسیه در قفقاز شمالی دارای مرز مشترک است (نعمتی زرگران، ۱۳۸۳: ۸۳). ترکیب متنوع و متعدد قومی و وجود رقابت های داخلی، منطقه ای و بین المللی موجب شده است این کشور همواره در کوران تحولات و بحران های داخلی و جدایی طلبی باشد (کولایی، ۱۳۷۳: ۱۶۶).

#### الف- حضور مبارزان چینی در گرجستان

با بروز بحران چین در سال ۱۹۹۹ که با حمله نیروهای جدایی طلب چینی به فرماندهی شاملیل باسایف به جمهوری داغستان شروع شد؛ آتش جنگی شعله ور شد که بعد از امضای موافقت نامه یلتسین- مسخدوف در سال ۱۹۹۶ نزدیک به چهار سال خاموش مانده بود. متعاقب آن، حمله وسیع ارتش روسیه به گروزنی، سیل آوارگان جمهوری چین را به شهرها و مناطق اطراف و از جمله گرجستان سرازیر کرد. در میان آوارگانی که وارد گرجستان شدند، تعداد زیادی از مبارزان چینی نیز حضور داشتند که همه آنها در دره معروف پانکیسی در ۲۰۰ کیلومتری شمال پایتخت گرجستان سکونت داده شدند (عسگری، ۱۳۸۳: ۶۵-۶۴).

روسیه از ابتدای امر با فرار مبارزین چینی به گرجستان مخالفت کرد و در آغاز بحران چین، از شواردناده رئیس جمهور گرجستان درخواست کرد به طور مشترک و با همکاری یکدیگر مانع از عبور مبارزان چینی به داخل خاک گرجستان شوند که با پاسخ منفی طرف گرجی مواجه شد (رویان، ۱۳۸۵: ۶۵). استقرار این مبارزان در دره پانکیسی به معنی در اختیار گرفتن اهرم فشار علیه روسیه بود که گاهی بوسیله گرجی ها به کار گرفته می شد. روس ها از آن زمان معتقد بودند که برخی کشورهای غربی- اسلامی و غربی از طریق گرجستان به مبارزان چینی کمک می کنند (همان).

امروزه روسیه اساساً به رفتارهای دو کشور گرجستان و آذربایجان به دیده تردید می نگرد و این کشورها را سرپل ارسال کمک های خارجی به ویژه غربی به مبارزان مسلمان جمهوری های آشوب زده خود می داند.

#### ب. بحران آجاریا

جمهوری خود مختار آجاریا با ۲۹۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۴۰۰ هزار نفر جمعیت، در بخش جنوب غربی گرجستان و در کناره دریای سیاه واقع است. باتومی پایتخت این جمهوری مسیر و بزرگراه عبوری کالاهای این کشور و برخی کشورهای همسایه به سایر نقاط جهان است. مقام های جمهوری خود مختار آجاریا، به رهبری اصلان آباشیدزه، پس از

فروپاشی شوروی، تجزیه طلبی و استقلال خواهی را آغاز و با عدم پرداخت درآمدهای ترانزیتی و گمرکی و توسعه ساختارهای قدرت داخلی با سیاستهای دولت مرکزی به مقابله برخاستند. با وجود تلاش های شواردناده رئیس جمهور گرجستان، وی نتوانست بر این بحران غلبه کند. آباشیدزه به اهرم نفوذ روسیه در گرجستان تبدیل شده بود (عسگری، پیشین: ۶۶). با روی کار آمدن ساکاشویلی، وی با برگزاری مانور نظامی در باتومی و بندر پوتی و با میانجیگری روسیه که حامی جدایی طلبان آجاریا بود به حکومت آباشیدزه پایان داد. اصطلاح "انقلاب رز دوم" عنوان تنش هایی است که با استعفا و فرار آباشیدزه رهبر جمهوری خود مختار آجاریا پس از چند ماه کشمکش و تنش و فشار سیاسی دولت مرکزی بطور مسالمت آمیز پایان یافت. از این واقعه به عنوان آغازی برای احیاء و بازگشت تمامیت ارضی کشور و تشکیل گرجستان واحد یاد می شد (همان).

### ج. بحران آبخازیا

آبخازیا ناحیه ای در شمال غربی گرجستان با ۸۶۶۰/۲ کیلومتر مربع وسعت است. این سرزمین در جولای ۱۹۹۲ استقلال خود را اعلام و به دنبال آن قانون اساسی مستقل تدوین و تصویب کرد. اما مخالفت مقام های گرجی به درگیری نظامی انجامید. در سپتامبر ۱۹۹۳ جنگ به نفع آبخازها خاتمه یافت. حمایت روسیه از آبخازها و مشارکت داوطلبانه نیروهایی از جمهوری چچن و داغستان را می توان مهم ترین عوامل شکست گرجستان دانست. مناقشه آبخازیا و گرجستان بسیار عمیق تر و از نظر قومی پیچیده تر از مناقشه اوستیای جنوبی بود و گرجی ها آن را جنگ روسیه با گرجستان نامیده اند (Sazonov, 2008:1)

### د. بحران اوستیای جنوبی

سرزمین اوستیای جنوبی در شمال گرجستان و در همسایگی اوستیای شمالی روسیه واقع است و در آن ریشه های فرهنگ ایرانی دیده می شود. بحران در اوستیای جنوبی هنگامی بروز کرد که ۹۹ درصد مردم آن در یک همه پرسی در ژانویه ۱۹۹۲ به پیوستن این منطقه به فدراسیون روسیه و وحدت با اوستیای شمالی رأی دادند (www.aysor.com, 2009). با روی کار آمدن ساکاشویلی و حمایت غرب از وی در روند تحولات داخلی گرجستان و با توجه به شعار های تبلیغاتی وی در زمان انتخابات ریاست جمهوری، تلاش های دولت مرکزی برای کنترل بر اوستیا افزایش یافت. در آوریل ۲۰۰۸ تفلیس پیشنهاد داد تا در ساختار قدرت در اوستیای جنوبی سهمی باشد که این پیشنهاد با مخالفت پارلمان اوستیای جنوبی مواجه شد. اشتباه ساکاشویلی درباره عکس العمل روس ها و دست کم گرفتن آن به حمله گرجستان به

اوستیای جنوبی منجر شد که در اثر آن تعدادی از اتباع روسیه نیز کشته شدند. ارتش روسیه به بهانه حمایت از شهروندان روسیه عکس العمل سختی از خود نشان داده و وارد اوستیای جنوبی و گرجستان شد. دولت گرجستان ابتکار عمل را از دست داد و در جنگ با روس ها شکست خورد (روبان، پیشین: ۶۹). سرانجام پس از پنج روز درگیری و تلاش های شدید اروپایی ها برای نجات گرجستان از مهلکه، دو طرف طرح آتش بس ۶ ماده ای فرانسه را پذیرفتند و درگیری های نظامی روسیه و گرجستان پایان یافت. اما نیروهای روسی به بهانه تأمین امنیت و مأموریت صلح بانی تعدادی از واحد های نظامی خود را در شهرهایی از گرجستان از جمله شهر بندری و راهبردی پوتی مستقر کردند (همان: ۷۰).

به طور کلی، جمهوری های خود مختار مهم ترین ابزار سیاسی روسیه جهت اعمال سیاست های خود بر گرجستان و کنترل رفتار این کشور به شمار می روند. این جمهوری ها اهمیت راهبردی سیاسی، نظامی (مانند وجود پایگاه های نظامی روسیه در آبخازیا و آجاریا) و امنیتی برای روسیه دارند. این اهمیت به دلایل دیگر نیز هست از جمله وجود خطوط ارتباط زمینی، دریایی، هوایی و ریلی میان آبخازیا و روسیه و وجود بندر مناسب در سواحل آبخازیا برای داد و ستد بین المللی.

در نقطه مقابل، گرجستان برای کاهش فشار روسیه و تقویت مواضع خود در منطقه، چهار محور همکاری را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است:

۱- تشکیل اتحادیه گوام با حضور کشورهای گرجستان، آذربایجان، اوکراین و مولداوی در اکتبر ۱۹۹۷؛

۲- تشکیل یک محور سیاسی - امنیتی با حضور کشورهای ترکیه و آذربایجان؛ این محور که از همکاری های اقتصادی شروع شده بود، هم اکنون به همکاری های امنیتی گسترش یافته است؛

۳- تقویت و گسترش همکاری های سیاسی - امنیتی با نهادهای غربی به ویژه شورای امنیت اروپا / Organization for Security and Cooperation of Europe و ناتو / North Atlantic Treaty Organization؛

۴- گسترش همکاری های امنیتی - اقتصادی با آمریکا و پشتیبانی از حضور این کشور در منطقه قفقاز (باقری، ۱۳۸۳: ۸۴-۸۳).

### گرجستان در رقابت آمریکا ( و ناتو ) - روسیه

به دلیل موقعیت و اهمیت راهبردی گرجستان، هرگونه تغییر در وضعیت سیاسی این کشور، بطور مستقیم در مسائل راهبردی روسیه تاثیرگذار است. اشراف گرجستان بر قسمتی از



سواحل دریای سیاه و در اختیار داشتن بنادری مهم همچون "سوپسا" و "پوتی" با توانایی ترانزیت کالا و نفت و گاز در مقایسه با دیگر کشورهای حوزه دریای سیاه، ویژگی ژئوپلیتیکی قابل توجهی به این کشور داده است (زرگر، ۱۳۸۵: Iras.ir). مهم ترین اهداف آمریکا در قفقاز از ابتدا تضعیف هرچه بیشتر روسیه، مهار و کنترل اسلام گرایی، محدود کردن قدرت ایران، دستیابی به انرژی حوزه کاسپین و کنترل ترانزیت انرژی بوده است. بنابراین، برای دستیابی به اهداف فوق، قفقاز و دروازه ورود به آن (و دریای کاسپین و آسیای مرکزی) یعنی گرجستان در گام اول قرار گرفت (امیر احمدیان، ۱۳۸۳: ۱۰۲).

روند تحولاتی که گرجستان را بیش از پیش به سمت آمریکا متمایل کرده، از انتخابات پارلمانی این کشور در دوم نوامبر ۲۰۰۳ و اختلاف بر سر نتایج آن آغاز شد (کولانی، ۱۳۸۴: ۳۶). در نتیجه نافرمانی طرفداران ساکاشویلی و تحرکات رسانه‌های غربی در تهییج این افراد علیه شوارد نادزه و کمک‌های آمریکا از طریق بنیاد سوروس و سایر سازمان‌های ظاهراً خصوصی که به انقلاب رنگی مشهور شد، شوارد نادزه مجبور به استعفا شد. دستیابی میخائیل ساکاشویلی به مسند ریاست جمهوری زمینه نفوذ هرچه بیشتر آمریکا در گرجستان را فراهم کرد و در مقابل روسیه را به تکاپو واداشت تا محدوده حیات خلوت خود را حفظ کند (فرهمنده، ۱۳۸۵: ۶). در این میان، آمریکا که از سال‌های قبل راهبرد جلوگیری از عبور لوله‌های انتقال انرژی دریای کاسپین از طریق ایران و روسیه را برگزیده بود؛ برغم هزینه زیاد و امنیت کمتر، عبور لوله‌ها از گرجستان یعنی خط لوله باکو - تفلیس - جیحان را اجرایی کرد. همچنین آمریکا بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، راهبرد گسترش ناتو به شرق (اروپای شرقی، قفقاز، آسیای مرکزی و آسیای جنوبی) را برگزید که گرجستان یکی از کشورهای کلیدی این مسیر است. این راهبرد ابتدا با هدف گسترش ناتو به شرق به منظور جلوگیری از تشکیل احتمالی قطب جدید قدرت، محدود کردن قدرت ایران، تامین امنیت اسرائیل، کنترل بیشتر بر نفت و گاز خلیج فارس و دریای کاسپین، صورت می‌گرفت. اما با گذشت زمان و آشکار شدن محدودیت‌های غرب در این زمینه، به نظر می‌رسد آمریکا و اروپا امروزه با ترس از آینده و بیشتر برای جلوگیری از محدود شدن ناشی از تحولات غیرقابل کنترل آینده، چنین راهبردی را پی‌گیری می‌کنند. در این ارتباط، اشاره پیاپی مقام‌های آمریکایی به استقرار سامانه راداری ایکس در چک و موشک‌های ضد موشک این کشور در لهستان به منظور هدف قرار دادن موشک‌های ایرانی و نگرانی غرب از محدود شدن در آسیای مرکزی بدلیل تشکیل پیمان شانگهای و غیره قابل ذکرند.

از سوی دیگر، روسیه برای دستیابی به اهداف جهانی و منطقه‌ای خود محدود کردن گرجستان را در مرکز تلاش‌هایش قرار داده است و در این کشور حمایت از اقلیت‌های

گرجستان از جمله آبخازی ها و اوستیائی ها را بسیار جدی و با اهمیت دنبال می کند. به طور کلی، تا آنجا که به گرجستان فعلی (۱۳۸۸ ه.ش) مربوط می شود؛ این کشور به عنوان دروازه ورود به قفقاز، راهبرد سیاست خارجی و امنیتی خود را الحاق به ساختارهای یورو-آتلانتیک بویژه ناتو قرار داده است. به عقیده برخی از رهبران گرجی، عضویت در ناتو امنیت این کشور کوچک و ضربه پذیر در برابر روسیه را تضمین خواهد کرد. به نظر می رسد این دسته از رهبران گرجی قدرت همسایه خود روسیه را دست کم گرفته اند. به هر صورت، گرجستان در ۱۹۹۲ با عضویت در "شورای همکاری های آتلانتیک شمالی" نخستین گام را رسماً به سمت ناتو برداشت (کون، ۱۳۸۵: ۵). اقدامات گرجستان برای پیوستن به ناتو شامل شرکت در طرح اقدام مشارکت انفرادی می شود که در نوامبر ۲۰۰۲ و در نشست سران در پراگ برای کشورهایی که خواستار عضویت در ناتو هستند، معرفی و به اجرا درآمد. اعزام نیرو به عراق، افغانستان و کوزوو نیز از دیگر اقدامات این کشور بوده است (عسگری، ۱۳۸۷: ۱۷).

به طور کلی، حضور آمریکا و ناتو در گرجستان که دروازه ورود به اوراسیا برای غرب است، پیوند های امنیتی دوجانبه گرجستان-ناتو، بهره گیری غرب از گرجستان برای عبور انرژی آسیای مرکزی و حوزه کاسپین به اروپا، راه انداختن انقلاب رنگی در گرجستان با حمایت های غرب و بهره گیری غرب از گرجستان به منظور حمایت از اقلیت ها در مقابل روسیه، مسکو را نسبت به تحولات این کشور حساس کرده است. این امر به درگیری نظامی ۲۰۰۸ روسیه - گرجستان در منطقه اوستیای جنوبی انجامید که پس از آن نیز بخشی از ارتش روسیه در اوستیا باقی ماند. به هر حال، روند تحولات آینده در باره گرجستان احتمالاً بیانگر وضعی بی ثبات خواهد بود؛ سرنوشتی که معمولاً کشورهای کوچک قرار گرفته در منطقه نفوذ دو قدرت بزرگ جهانی با آن دست به گریبان هستند.

## نتیجه

موقعیت و اهمیت راهبردی و ژئوپلیتیک گرجستان یکی از مهم ترین عوامل در سیاستگذاری روسیه نسبت به این کشور و در روابط دوجانبه است. روسیه از روش های مختلف از جمله نیروهای نظامی و اهرم قومیت ها برای فشار بر گرجستان بهره گرفته و مخالفت جدی خود با گسترش ناتو به شرق و عبور آن از گرجستان را ابراز داشته است. عکس العمل شدید روس ها نسبت به حمله گرجستان به اوستیای جنوبی نیز حاکی از جایگاه مهم منطقه قفقاز و کشور گرجستان در راهبردهای منطقه ای و جهانی روسیه است. در نقطه مقابل، غرب به منظور کم کردن وابستگی خود به عبور انرژی از راه ایران و روسیه، عبور نفت و گاز حوزه کاسپین از طریق گرجستان را برگزیده و برای گسترش ناتو به شرق نیز مجبور

است گرجستان را وارد ناتو کند. اما به نظر می رسد در حالی که روزگاری غرب و به ویژه آمریکا مقتدرانه از گسترش ناتو به شرق سخن می گفت؛ امروزه حالت انفعالی گرفته و این گسترش را راهی برای تضمین آینده حیات خود می پندارد.

## منابع و مأخذ:

### الف. فارسی:

- ۱- امیراحمدیان، بهرام. (۱۳۸۳)، " تحولات گرجستان در صحنه ژئوپلیتیک قفقاز ". فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۵.
- ۲- باقری علی رضا. (۱۳۸۳/۲/۲۸)، ارزیابی قفقازی ها از گسترش ناتو. نشریه شرق.
- ۳- پرسکات، جان، ویکتور، رابرت. (۱۳۸۵)، گرایشهای تازه در جغرافیای سیاسی. ترجمه دره میر حیدر، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- ۴- حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: نشر پاپلی.
- ۵- حق جو، میرآقا. (۱۳۸۳)، " قفقاز جنوبی و بازتاب تعارضات هویتی، فرهنگی بر بی ثباتی منطقه ". فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۵.
- ۶- روبان، لاریسا. (۱۳۸۳)، " ویژگی های ژئوپلیتیکی و نظامی- امنیتی قفقاز و منطقه دریای خزر از دیدگاه امنیتی ". دهمین همایش آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- ۷- رقابت روسیه و امریکا و موقعیت ژئوپلیتیک گرجستان. (۱۳۸۲)، گزارش تحلیلی موسسه ابرار معاصر تهران، شماره ۱۳۸۲/۱۰۲/۹۶.
- ۸- زرگر، افشین. منطقه بی ثبات. [www.iras.ir,19/8/1387](http://www.iras.ir,19/8/1387).
- ۹- عزتی، عزت الله. (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم. تهران: سمت.
- ۱۰- عسگری، حسن. (۱۳۸۷)، چشم انداز و دورنمای الحاق گرجستان به ناتو و پیامدهای آن برای کشورهای منطقه. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۱.
- ۱۱- عسگری، حسن. (۱۳۸۳)، " احیای تمامیت ارضی گرجستان ". فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۸.
- ۱۲- فرهمند، بهراد. (۱۳۸۵/۵/۱۴)، ژئوپلیتیک گرجستان و رقابت آمریکا و روسیه، مردم سالاری.
- ۱۳- فغانی، حجت الله. (۱۳۷۸)، گسترش ناتو به شرق، بررسی موضع گرجستان. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال هشتم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۷۸.
- ۱۴- کاظمی، احمد. (۱۳۸۰/۱۰/۱۲)، معضل پایگاه های نظامی در روابط روسیه و گرجستان. نشریه ابرار.
- ۱۵- کولایی، الهه. (۱۳۷۳)، " الگوی رفتاری روسیه در گرجستان " تداوم یا تغییر. فصلنامه راهبرد، شماره ۴، پاییز ۱۳۷۳.
- ۱۶- کولایی، الهه. (۸۷-۱۳۸۶)، ژئوپلیتیک انتقال نفت از قفقاز. دو فصلنامه اوراسیای مرکزی، سال اول، شماره ۱، زمستان و بهار ۱۳۸۶-۸۷.
- ۱۷- کوئن، فردریک. (۱۳۸۵)، توهم استراتژیک قفقازی ها (قفقاز جنوبی در جستجوی همگرایی با ناتو). همشهری دیپلماتیک، فروردین ۱۳۸۵.
- ۱۸- " منافع مشترک ایران و روسیه در قفقاز ". <http://aftab.ir/politics-diplomacy-iran/2008>.
- ۱۹- نعمتی زرگران، علی باقر. (۱۳۸۳)، " بررسی ریشه های اختلاف بین روسیه و جمهوری گرجستان ". فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۵.

### ب. خارجی:

1. Dikshit, R.D. (1982), political Geography. New Delhi: Tata McGrawhill Publishin company.

2. Sazanov, Aleuay. (September 2008), "Georgia, Russia: south Ossetia and Abkhazia option". [www.startfor.com/analysis](http://www.startfor.com/analysis).
3. [www.aysor.com](http://www.aysor.com), 1/5/2009.
4. [www.russia](http://www.russia.news.ru) news.ru.2/6/2209.
5. [www.csr.ir](http://www.csr.ir).1382.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«انقلاب: پیشینه نظری موضوع و پیشنهاد یک مدل راهنما»، شماره ۳۳؛ «انقلاب از آغاز تا فرجام؛ مروری بر ویژگی‌های هفتگانه مشترک انقلاب‌ها»، شماره ۵۷؛ «تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران»، شماره ۶۱؛ «مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی و اهمیت استراتژیک ایران»، شماره ۶۳؛ «انقلاب‌های رنگی» در آسیای مرکزی و قفقاز و تمایز آنها از انقلاب‌های واقعی»، شماره ۴، سال ۱۳۸۶؛ «امام خمینی (ره) و رویدادهای بزرگ ایران معاصر (پیش از انقلاب اسلامی)»، شماره ۳، سال ۸۷؛ «ورزش و سیاست»، شماره ۲، سال ۸۸؛ «ایدئولوژی و رهبری و تاثیر آن بر پیروزی سریع، ثبات پایدار و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران»، شماره ۲، سال ۸۹؛ «جامعیت و برتری اندیشه امام خمینی (ره) درباره ارکان دولت بر اندیشه (دولت مدرن)»، شماره ۱، سال ۹۰؛ «بازنگری قانون اساسی؛ تاریخچه، ضرورت‌ها و فرایند شکل‌گیری تا قانونمندی»، شماره ۳، پاییز ۹۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی